

نقش قانون در سلامت اجتماعی و پیشگیری از جرایم

علی پیری^۱، علیرضا حسینی^۲، احسان پهلوانی فرد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۴

چکیده

امروزه یکی از روش های رایج به منظور درمان بزهکاران و اصلاح آنان و پیشگیری از وقوع جرم در بیشتر کشورهای دنیا، شیوه مذهب درمانی است. یکی از بهترین عوامل بازدارنده از ارتکاب که اثر بسیار مهمی دارد عامل مذهب است. زمانی که در جامعه ای نقش مذهب و عوامل معنوی پررنگ می شود بی شک میزان جرم و جنایت نیز کاهش می یابد به گونه ای که در بررسی ها و تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است غالب مجرمان، افرادی دور شده از دین هستند و در خانواده هایی پرورش یافته اند که ارزش های معنوی کمرنگ شده و ارزش های مادی جای آن را گرفته است. بر این اساس در این پژوهش به عوامل موثر در سلامت اجتماعی و نقش قانون در امنیت و پیشگیری جرایم خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: قانون، پیشگیری، جرایم، سلامت اجتماعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی.

^۲ دکتری حقوق خصوصی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد دامغان، عضو کانون وکلای دادگستری.

^۳ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد واحد قشم، مدرس دانشگاه آزاد مهدیشهر.

مقدمه

قانون در اصل از کانون اخذ شده و در ابتدا برای ابزار و وسایلی که جهت تنظیم سطور و خطوط به کار رفته، وضع شده بود اما بعداً توسعه مفهومی یافته و برای کلیه قواعد و قوانین مورد نیاز و ضرورت جامعه به کار رفته شد تا جایی که در شرایط کنونی مقصود از آن فقط مجموعه دستورالعمل‌هایی است که برای اداره جامعه مورد احتیاج و ضروری می‌باشد. به تعبیر دیگر قانون لغتی سریانی و به معنای خط کش بوده است، قانون عبارت است از قاعده‌ای حقوقی که به تصویب مراجع قانونگذاری رسیده باشد، عرف هم از همان مراجع است. جرم یا تخلف یک واقعیت انسانی و اجتماعی است. از بعد انسانی شناخت این واقعیت کنجکاوی پزشکان، روان‌پزشکان، روان‌شناسان و حتی ادیبان و نویسندگان را برانگیخته و از بعد اجتماعی ذهن جامعه‌شناسان و حقوقدانان را به خود مشغول ساخته است.

از نظر قانونی، جرم عبارت است از عمل یا ترک عملی که قانون آن را پیش‌بینی نموده و برای ترک یا ارتکاب آن، مجازات تعیین نموده باشد. به عبارت دیگر جرم، عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشند. در عرف دستگاه‌های اداری از اصطلاح دیگری به عنوان (تخلف اداری) نیز استفاده می‌شود که آن عبارت‌اند از تجاوز مأمور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه است. عدم توجه دستگاه‌های اداری نسبت به تخلفات سازمانی و شیوع آن‌ها موجب بروز جرایم و مفاسد اداری خواهد شد. دین اسلام که کامل‌ترین دین دنیاست، برای تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها طرح‌ها و برنامه‌های مناسبی را تدوین نموده که عمل به آنها انسان‌ها را به سوی رستگاری هدایت می‌کند. در خصوص علل و عواملی که باعث می‌شود در کاهش جرائم تأثیر گذار باشد که به شرح هر یک از آنان می‌پردازیم.

بیان مسئله

رسانه‌های گروهی مبتنی بر ارتباط هستند و ارتباط فرآیندی است که از طریق آن (پیام‌ها) صرف‌نظر از محتوای آن و وسایل به کار گرفته شده از فردی به فرد دیگر انتقال پیدا می‌کند و به این ترتیب کنش متقابل امکان‌پذیر است مجموعه شرایطی را که در برابر ارتباطات حاکم است می‌توان در ابعاد فیزیکی (محیط ارتباط و...) فرهنگی (ارزش‌ها و نگرش‌ها و ایستارها و...) روانی-اجتماعی (شرایط و زمینه‌ها و...) و زمانی (زمان برقراری ارتباط) جستجو نمود. رسانه‌های

ارتباط جمعی دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی در میان توده‌های مردم می‌باشند. پس می‌توان آنها را همچون نهادهای اجتماعی مورد شناخت قرار داد. در میان عوامل متعدد مرتبط با جرم، نقش رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و در حقیقت احتمال این‌که تلویزیون، رادیو، مطبوعات، سینما و... هیچ نفوذی در عقایدی که مردم از آنها دفاع می‌کنند و یا رفتارهای مطلوب و به‌هنگار نداشته باشند خیلی کم است باوجود این اگر تعدادی از افراد را به شکل مجرد در نظر بگیریم و آنها را تحت‌تأثیر مستقیم و بدون قید و شرط رسانه بدانیم نیز اشتباه است. نگرش‌ها و رفتارهای افراد تحت‌تأثیر روابط اجتماعی خود نیز قرار دارد و به‌عنوان مثال گروه‌های نخستین (خانواده، گروه، دوستان، همکاران نزدیک اداری و...) تأثیر بسیاری در این زمینه دارند.^۱

محیط اقتصادی

محیط اقتصادی در تغییرات بزه‌کاری سهم مهمی دارد. رکود اقتصادی در دوران بحران و مشکل اقتصادی به ویژه در زمان جنگ و نابسامانی‌های اجتماعی سبب می‌شود نوسان‌های بزه‌کاری ناگهان تغییر کند. البته دوران شکوفایی اقتصادی نیز ممکن است تأثیری همانند در نوسان‌های بزه‌کاری باقی گذارد. بحران‌های اقتصادی چون تورم و نزول ارزش پول و همچنین کمبود مسکن، تراکم جمعیت در محله‌های به‌خصوص فقیر نشین و بی‌کاری از زمره‌ی دلایل ازدیاد بزه‌کاری است.^۲

محیط خانواده:

تأثیر محیط خانوادگی در رفتارهای بزه‌کارانه خصوصاً در دوران کودکی و نوجوانی انکار ناپذیر است. اصولاً شخصیت کودک در خانواده پی‌ریزی می‌شود. گاه رشد عاطفی و اخلاقی کودک در محیط‌های از هم گسیخته مختل می‌شود و زندگی کودک را با دشواری‌های فراوان از لحاظ خانوادگی و سازگاری با محیط مواجه می‌کند و گاه کودک در نتیجه فساد خانواده و تقلید از پدر و مادر الگوهای بزه‌کاری را در خانواده می‌آموزد.

^۱ محسنی، منوچهر، بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی در شهر تهران، زهد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۳۲۷.

^۲ نور بهاء، دکتر رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چاپ اول، ۱۳۶۹.

محیط اجتماعی

یکی دیگر از عللی که کارشناسان در رابطه با نابهنجاری و آسیب‌های اجتماعی بر آن تأکید دارند میزان همبستگی اجتماعی است، هر چه این همبستگی کمتر شود به تبع آن احتمال بروز بزه و جرم نیز افزایش می‌یابد به همین خاطر بسیاری بر این عقیده‌اند که در شهرها و مناطق کوچک مانند روستاها به دلیل بالابردن میزان همبستگی اجتماعی آمار جرم و جنایت بسیار پایین‌تر از کلانشهرها و مناطق شلوغ و پرجمعیت است. محیط اجتماعی نیز فرد را در ارتباط و گاه در تعارض با دیگر افراد جامعه قرار می‌دهد. گاه این محیط اتفاقی است، محیط سربازی و محیط تحصیلی، شامل آموزشگاه و محیط کار آموزی از آن جمله است. گاه فرد خود در انتخاب این محیط نقش دارد.^۱

محیط فرهنگی

محیط فرهنگی نیز گاه عاملی جرم‌زا تلقی می‌شود. بسیار اتفاق می‌افتد که ارزش‌های گروهی (صنعی، حزبی، قومی و...) در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. در این میان فرد برای رهائی از این تعارض ناچار، به هنجار شکنی تن در می‌دهد و جرمی به وقوع می‌پیوندد. مقصود از محیط فرهنگی بیشتر اختلاف شهرنشینی و روستا نشینی، رسانه‌های گروهی، نقش قانونگذاری و بالاخره ارزش‌های هنری است. قانونگذاری و قوه مقننه اگر عادلانه و درست باشد در پیشگیری از جرایم بسیار مؤثر است اما وضع قوانین غیر عادلانه، بی‌توجهی به مسائل جامعه، عدم آگاهی نمایندگان از روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی و خواست‌های افراد، تکوین جرم را ساده می‌سازد. به خصوص که کلاهبرداران حرفه‌ای و محتکران با سابقه می‌توانند از قانون و خلأ موجود در آن به نحو چشمگیری استفاده کنند.^۲

نقش قانون در امنیت اجتماعی

قانون از یک طرف دارای تعریف فلسفی و از سوی دیگر حاوی تعریفی حقوقی است. از لحاظ فلسفی، قانون پیکرهایی از احکام، قواعد و مقرراتی است که حاکم بر روابط اشیاء، پدیده‌ها،

^۱ اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، انتشارات نشر میزان، ۱۳۷۷.

^۲ کی‌نیا، دکتر مهدی، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

نظام عالم و تسلسل رویدادهاست. از لحاظ حقوقی قانون یک سلسله قواعد، احکام و مقرراتی است که به وسیله قوای عالیه کشور جهت تنظیم روابط حقوقی و اجتماعی آحاد جامعه وضع می‌گردد. پس از این تعاریف باید دید رابطه این قواعد، احکام و مقررات با سلامتی افراد جامعه چیست؟ اما قبل از آن سلامتی باید مورد تعریف واقع شود. سلامتی یا تندرستی عبارتست از حالتی که در آن فرد یا جامعه در وضعیت مطلوب و دلخواه از نظر جسمی و روحی قرار گیرد. هر حالتی که فرد یا جامعه را در وضعیتی غیر مطلوب و دلخواه قرار دهد، چه از لحاظ بدنی و چه روحی و روانی، سلامتی زائل شده و بیماری جایگزین آن می‌شود. بدین اعتبار اگر قوانین موضوعه به نحوی وضع شوند که افراد و جامعه را در حالت نامطلوب، غیر دلخواه و نامتعادل قرار دهند سلامتی اجتماع را به خطر می‌اندازند.

قانون‌گرایی و قانون‌مداری از دیگر مشخصه‌ها و محورهای جامعه مدنی است. هر چند کلیت اصطلاح «قانون‌مداری» مورد تردید است، اما قانون از جمله مؤلفه‌های جامعه مدنی است. در اندیشه جان لاک، «قدرت» و «حق» تفکیک ناپذیرند و قدرت همواره ناشی از حق است. قدرت سیاسی هیچ حقانیتی فراتر از قوانین به عنوان تجلی حقوق طبیعی ندارد. اختلاف هابز با لاک همین است که از نظر هابز، جامعه مدنی به عنوان تن سیاسی واحد از حاکمیت مطلق برخوردار است؛ یعنی: هیچ قدرتی بالاتر از قدرت حاکم به عنوان «روح اصلی تن واحد سیاسی» وجود ندارد. اما لاک مخالف این است که قدرت سیاسی را بالاتر از حق و اخلاق بدانیم.

منشأ قانون در جامعه مدنی عقل بشری است. از نظر لاک، عقل بشر که سرچشمه قانون طبیعت است حکم می‌کند که هیچ کس بر دیگری قدرت مطلق نداشته باشد. اصطلاح قانون‌مداری و قانون‌گرایی از دیگر اصول جامعه مدنی از جمله انسان‌مداری و عقل‌محوری ناشی می‌شود. لذا در این جامعه، قانون رنگ و بوی بشری دارد و ملاک پذیرش آن رأی مردم و پذیرش اکثریت جامعه است. در جامعه مدنی حاکمیت مطلق قانون (هر چند به حسب ظاهر) در سراسر جامعه تحقق دارد و همه صاحبان قدرت و نخبگان، قدرت خویش را از قانون می‌گیرند و تابع قانون اند و هیچ مرجع و نهادی فراتر از قانون وجود ندارد و از آن جایی که مشخصه قانونی بودن چیزی، پذیرش و مقبولیت عامه است لذا تحمیل قانون بدون پذیرش و مقبولیت فرد، هر چند - با اجبار - ممکن است، ولی مشخصه قانون مدنی نخواهد بود. بنابراین وضع و مشروعیت قانون در جامعه

مدنی به رأی و پذیرش مردم است و به دلیل حاکمیت تفکر اومانیستی و انسان‌مداری، مشروعیت نظام سیاسی و قوانین جاری نیز به رأی و پذیرش اکثریت مردم است.^۱ جامعه مدنی به هر معنی و مفهومی که باشد، بی‌تردید قانون‌نمندی، قانون‌گرایی و مذهب و مفاهیمی نظیر اینها در آن نقش محوری و اساسی دارد. بسیاری از جوامع به اصطلاح پیشرفته غربی که نظام سیاسی‌شان مورد تأیید برخی دیگر از جوامع نیست-موفق شده‌اند مردمشان را قانون‌گرا و دولت‌ها را مجری قانون سازند در حالی که جامعه ما از ضعف قانون‌گرایی و تعدی نسبت به قانون رنج می‌برد. این تألم و رنج فقط مختص قربانیان و مصدومان نیست بلکه با گسترش قانون شکنی و قانون‌گریزی حتی خود قانون شکنان نیز احساس می‌کنند که دود بی‌قانونی به چشمشان می‌رود.

در این مقاله سعی شده است مسایل و مشکلاتی که در ارتباط با قانون در جامعه وجود دارد شناسایی و متناسب با هر یک، راه‌حلی ارائه گردد. از دید نویسنده در جامعه‌ای که برای وجوه اساسی زندگی مردم قانون وجود ندارد یا در پاره‌ای موارد قوانین متعدّد و متضادی در کار است یا در مواردی قانون از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیست، انتظار قانونمندی و قانون‌گرایی از مردم چندان منطقی نمی‌نماید. آنچه همکاری و وابستگی متقابل بشری را در قالب یک «جامعه» امکان‌پذیر می‌سازد، نظامی از الگوهای رفتاری مکتوب است که همه افراد متعلق به جامعه در آن سهیم‌اند. این الگوهای رفتاری مشترک یا معیارهای رفتار، هنجار^۲ نامیده می‌شود. افراد جامعه از راه اجتماعی شدن^۳ یاد می‌گیرند که در موقعیت‌های گوناگون چه الگوهای رفتاری پذیرفتنی است و تفاوت میان الگوهای رفتاری شایسته و الگوهای رفتاری ناشایسته چیست (کوئن، بی‌تا: ۱۴۵). انسانها از راه درونی ساختن فراگرد اجتماعی شدن یاد می‌گیرند که چگونه نیازهای بنیادیشان به شیوه‌ای از نظر اجتماعی قابل قبول، برآورده می‌شود که با باور داشت‌ها، ارزش‌ها و هدف‌های پذیرفته شده فرهنگی مغایرت نداشته باشد.

برای آنکه بتوان سازمان اجتماعی و نظم را به اندازه ضروری در جامعه استوار داشت باید رفتارهای اجتماعی الگوبندی شده و پذیرفتنی آن ادامه یابد. این الزام طی فراگرد اجتماعی شدن ملکه ذهن افراد جامعه می‌شود. وقتی هنجارها ملکه ذهن فرد می‌شود او دیگر درباره

^۱ موسی غنی نژاد، جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، تهران، سازمان انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۷، ص ۲۰

^۲ NORM

^۳ SOCIALIZATION

درستی یا نادرستی یا شایستگی و ناشایستگی هنجارها تردید روا نمی‌دارد. در این صورت، شخص خود به خود از هنجارها پیروی می‌کند و اعم از اینکه دیگران ناظر رفتارش باشند یا نباشند- بر اثر درون ذهنی شدن هنجارها- همچنان به رفتار (شایسته) اجتماعی ادامه می‌دهد. انسان‌ها بیشتر بر اثر نظارت‌های درونی چون وجدان، نه ترس از غافلگیر شدن در حین ارتکاب کار ناشایست به رعایت هنجارهای جا افتاده برانگیخته می‌شوند. بر پایه فرا گرد درون ذهنی شدن هنجارها، بیشتر نظارت‌های اجتماعی در مورد افراد از درون آنها اعمال می‌شود.

از سوی دیگر هر جامعه برای تشویق اعضای به سازگاری با هنجارهای موجود، نظامی از پاداش‌ها و مجازات‌ها (مصوبات اجتماعی) را ساخته و پرداخته می‌کند. این مصوبات می‌تواند به صورت قوانین رسمی، اساسنامه‌ها، بخشنامه‌ها و... باشد؛ به بیان دیگر هر چیزی که به تصویب نهادهای رسمی جامعه برسد و ضمانت اجرایی لازم برای آن پیش‌بینی شده باشد. مصوبات [قوانین] مثبت به پاداش‌هایی اطلاق می‌گردد که به شخص در صورت مطابقت رفتارش با هنجارهای اجتماعی داده می‌شود. مصوبات [قوانین] مثبت عبارت است از مورد پذیرش و تحسین جامعه قرار گرفتن، ارتقای شغلی، افزایش حقوق و مزایا، دریافت پاداش رسمی و دریافت بورس تحصیلی و... برخی از مصوبات (قوانین) منفی نیز عبارت است.^۱ دلایل متعددی وجود دارد که عدم ضمانت اجرای قانون را توجیه می‌کند. برای ارائه راه حل در جهت کارآمد کردن و تقویت قوانین لازم است برحسب نوع علت، راه حل خاص مطرح گردد. از جمله این علت‌ها، ناتوانی قانون در پاسخ دادن به نیازهای مردم است. با تغییر نیازها و ارزش‌های یک جامعه، علی‌القاعده قانون و مصوبات نیز می‌بایست مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد تا با شرایط و اوضاع جدید و ارزش‌های تازه منطبق باشد.

چنان که می‌دانیم هنجارهای رسمی و قوانین در یک جامعه، در نهایت تجلی ارزش‌های موجود در آن جامعه است یعنی عقاید اجتماعی مشترک درباره‌ی آنچه خوب، درست و مطلوب است. به عبارت دیگر ارزش‌های یک جامعه بخش مهمی از محتوای هنجارهای رسمی آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ چنان که اگر یک جامعه ارزش‌والایی به آموزش بدهد، هنجارهای آن جامعه آموزش همگانی را تدارک خواهد دید. همچنین اگر جمعیت زیاد در یک جامعه دارای ارزش باشد، هنجارهای آن جامعه خانواده‌های بزرگ را تشویق خواهد کرد. به صورت یک اصل

^۱ کوئن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.

می‌توان گفت که همه‌ی هنجارها در یک ارزش اجتماعی اساسی ریشه دارد. با وجود این که همواره هنجارها مدت‌ها پس از آن که شرایط پدیدآورنده‌ی آنها از بین رفته، باقی مانده است. در این صورت مردم الزامی در رعایت آنها نمی‌بینند. به عبارت دیگر هر گاه قوانین و مصوبات اجتماعی با مقتضیات روزمره و عملی زندگی مردم تطابق و هماهنگی نداشته باشد، مردم به سادگی از آن تخطی می‌کنند. در این حالت، تخطی از قانون و قانون‌گریزی به معنی ناتوان بودن قانون در پاسخگویی به ضرورت‌های اساسی زندگی مردم است.^۱

امروزه تغییرات و دگرگونی‌های گسترده‌ی اجتماعی تغییر، اصلاح و حذف قوانین موجود و نیز تصویب قوانین جدید را به صورت امری گریزناپذیر درآورده است، اما از آنجا که این امر ممکن است نتایج پیش‌بینی نشده‌ای داشته باشد لازم است قانونگذار همواره پیامدهای مصوبات خود را در نظر بگیرد. افزون بر این ممکن است این مصوبات نتواند اهداف اولیه‌ی قانونگذار را تأمین کند یا حتی با پذیرش اجتماعی لازم از سوی مردم روبه‌رو نشود. به همین دلیل معمولاً در کنار دستگاه‌های قانونگذاری، مراکز پژوهشی و تحقیقاتی متعددی وجود دارند تا بازخورد اجتماعی قوانین در بین مردم را مورد بررسی قرار دهند. این مراکز می‌توانند با شیوه‌ای اطمینان بخش میزان پذیرش قوانین در بین مردم و تضاد احتمالی آنها را با قوانین دیگر نشان دهند.^۲

سلامت اجتماعی در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی یکی از ملاک‌های اساسی گذار از جوامع سنتی به مدرن می‌باشد. این پدیده به عنوان بخشی از فرهنگ سلامت همگانی هر جامعه‌ای در راستای امنیت اجتماعی، حمایت، رفاه، آسایش، عدالت اجتماعی و... دارای مضامین و معانی خاصی متناسب با فرهنگ آن جامعه است. اهتمام دادن به روابط اجتماعی، جامعه‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای شهری، قانون‌مداری و شهروندمحوری، مشارکت و استمرار در برنامه‌ریزی‌های محلی و... در بحث ارتقاء سلامت اجتماعی مؤثر است. ارتقاء این پدیده در سطح کلانشهرها همراه با بهره‌وری، آگاهی بخشی، رشد سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، تقویت اطلاع‌رسانی و افزایش مهارت‌های اساسی و اجتماعی شهروندان همراه است. تأکید بر روابط اجتماعی و انسانی ارائه خدمات و مراقبت‌های اجتماعی و بهداشت روانی همراه با رویکردهای

^۱ رابرتسون، یان، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، چاپ اول، مشهد، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

^۲ محقق داماد، سید مصطفی، قانونگرایی و قانونگذاری در جامعه مدنی؛ تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی-گروه انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۴۵.

سلامت محوری شهروندان در راستای بهزیستن شهروندان، تأکید بر روش های ایمنی شناسی در ساختار شهرها، همراه با پذیرش درک شهروندان، قابلیت اداره کردن شهر توسط شهروندان، ایجاد احساس جامع و یکپارچگی در میان شهروندان از نکات بارز در حوزه مطالعه سلامت اجتماعی در مدیریت شهری کلانشهرهای جامعه ایران می باشد. ترغیب و تشویق در حوزه مسئولیت پذیری، همکاری، همیاری و همفکری با یکدیگر ایجاد یک خط پیوستار مثبت از تأثیرات جمعی، حمایت های متنوع، اعتماد، سرمایه های انسانی و اجتماعی و پرهیز از هرگونه قدرت پروری، بزهکاری و خشونت، بی هنجاری و از خود بیگانگی در حوزه زندگی شهری از موارد ضرورت بخش مطالعه سلامت اجتماعی در شهرها می باشد.

رشد خودباوری و توانمند سازی که به نوعی شکوفایی اجتماعی است، همراه با شیوه های سازگاری اجتماعی در شهرها، در کنار برخورداری از نگرش مثبت رفتاری و عملکردی، تقویت رفتارهای مسئولیت پذیرانه، خودکارآمد و اجرای تعهدات و پیمان ها در میان شهروندان، گسترش احساس تعلق به هویت شهری و انسجام اجتماعی از مهمترین ابعاد شاخص های سلامت اجتماعی در مدیریت شهرها محسوب می گردد. کلید اساسی این ابعاد تحقق یافته در شهرها، اجرا و تدوین سیاست های اجتماعی از جمله تأمین اجتماعی، خدمات و رفاه اجتماعی، اشتغال، برابری فرصت ها، عدالت پایدار، آموزش و پرورش و... می باشد. بسترسازی از انواع حمایت های اجتماعی در جهت پیشگیری از مصادیق آسیب ها و انحرافات اجتماعی، ارتقاء رهیافت جامعه محوری امنیت اجتماعی، وجود آموزش های مستقیم و غیر مستقیم رسانه های ملی و مطبوعات و شبکه های اجتماعی در راستای تقویت هنجارهای اخلاقی و رفتاری و... از مهمترین پیوندهای ارتباطی با سلامت اجتماعی در مدیریت کلانشهرها می باشد.^۱

جامعه سریر قدرت است. قدرت در جامعه پا به عرصه وجود می نهد و عواملی همچون نظم عمومی، مصلحت اجتماعی، امنیت عمومی، نقش افکار عمومی، مشارکت و نهادپذیری ارکان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و قضایی که از مظاهر فرمانروایی هستند، به صورت امری قهری و خود به خودی قدرت را در چارچوب حقوق صورت بندی می کنند؛ آن هم برای حفظ ارزشها و همچنین نقشها و کارکردهای مختلف قانون و قدرت در حوزه های گوناگون. در این راستا سعی می شود ضمن حراست و حفاظت از حریمها و هنجارهای قانونی به یک نوگرایی و

^۱ محمد حسن شربتیان، نقش سلامت اجتماعی در مدیریت جامعه شهری و راهکارهای گسترش آن.

نوزایشی قانونی در چارچوب قوانین مدون دست یافته و براساس آن جامعه برای حرکت به سمت پیشرفت و جلوگیری از افزایش ناهنجاری‌ها و جرایم هدایت گردد و کارکرد اساسی قانون که همانا حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و مبارزه با ناهنجاری‌ها و کجروی است، جامعه عمل به خود ببوشد. قدرت به معنای در اختیار داشتن وسایل و ابزارهایی است که به وسیله آنها بتوان بر شخص یا جامعه تأثیر گذاشت و یا اراده ای را به فردی یا گروهی تحمیل کرد و یا تصمیمی اتخاذ نموده و آن را به مرحله اجرا درآورد. در این صورت قدرت هنگامی مفهوم واقعی خود را داراست که ظرفیت و قابلیت آن را داشته باشد تا براساس آن بتواند شهروندان یک جامعه را وادار به انجام کار یا رفتار مشخصی کند.

اگر جامعه در پناه درایت، درک و فهم از قانون و قانون گذاری در حوزه‌های گوناگون به مرحله تکامل خود برسد و در واقع به نوع ویژه‌ای از قدرت عمومی که بیشتر نشأت گرفته از حاکمیت قانون و انسجام و اتحاد عوامل و زمینه‌های قانونی و احیای بسترهای لازم و آماده سازی این عوامل است دست یابد، از این قدرت قانونی می‌تواند به عنوان عامل تعیین کننده حدود و ثغور جرایم و همچنین سرنوشت کلی و نهایی جامعه و هدایت آن به سمت و سوی پیشرفت و پیشگیری از وقوع جرم بهره گیرد. اما یک واقعیت اساسی که نمی‌توان آن را به دست فراموشی سپرد و باید به عنوان یکی از عوامل ارتقای سلامت قضایی در گذر از مسیر پرپیچ و خم جامعه کنونی تلقی شود، این واقعیت است که شهروندان در مرحله نخست باید نسبت به برخی از کلیت‌های موجود در جامعه احساس آرامش و تعلق کنند. امکان دارد این تعلقات ریشه معنوی یا مادی داشته باشند که تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌نماید. در مرحله دوم جامعه باید به آن درجه از یکپارچگی و استقلال برسد که بتواند در برابر دنیای خارج همانند کلیتی متمایز جلوه کند.

در مرحله سوم نیز قدرت قانونی موجود در درون جامعه باید از نوع یک قدرت قانون‌مدار و قانونمند باشد و در نهایت سازمان بندی‌های اجتماعی از حالت ابتدایی خارج شده و به مرحله بلوغ، تکامل و یک نوع وحدت‌گرایی اصولی و اساسی در چارچوب قوانین موضوعه، شرع و فقه پویای اسلام برسد تا بتواند نقش اساسی خود را در زمینه پیشگیری از ناهنجاری‌ها و جرایم در جامعه به منصفه ظهور برساند. از طریق برنامه ریزی درست، بهره‌گیری از خدمات‌ها و بازخوانی و بازآفرینی فرصت‌ها و معیارها، سنجش ارزش‌های والای شرع و نیز هوشمندی می‌توان به این هدف دست یافت به شرطی که در این رهیافت از نظریات فقهی و حقوقی مراکز علمی و

پژوهشی کشور نهایت بهره‌برداری به عمل آید و از یکجانبه نگری و تنگ نظری اجتناب گردد. با اعتماد و ایمان به افکار عمومی باید آنها را وارد گود مبارزه برای اجرای سنجیده‌تر اصل ۱۵۶ قانون اساسی نمود تا بتوان به جامعه ای عاری از جرم دست یافت. البته برای همگان روشن و بدیهی است که دستیابی به این توفیق عظیم در سایه تأثیر متقابل مراکز قدرت اجرایی و قانونگذاری و تعامل با نظام حقوقی که منبث از قوانین موضوعه، قانون اساسی و فقه پویای اسلام می‌باشد، امکان پذیر است. با این توصیف می‌توان گفت که اهمیت و نقش قانون پذیری از حیطة فردی فراتر رفته و ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی انسان‌ها را دربر گرفته است. این پدیده نه تنها در تکوین و پرورش شخصیت افراد جامعه نقش دارد بلکه در تکامل زندگی اجتماعی و رسیدن به توسعه همه جانبه اقتصادی و اجتماعی، امنیت عمومی و افزایش نظم اجتماعی عامل بسیار مهمی به شمار می‌رود.

اما نکته اساسی دیگری را نیز باید مورد توجه قرار داد که حصول به امنیت و سعادت در یک جامعه در گذر از پیچ و خم حوادث و عوامل هنجار و ناهنجار از طریق پیروی کردن از قوانین مترقیانه اسلام، پیشگیری از جرایم و کنترل آنها، ارتقای سطح امنیت و آسایش اجتماعی، حراست از حریم قانون و مبارزه با قانون شکنان برای نیل به الگویی واحد براساس تجمیع اندیشه‌های صاحبان خرد به ویژه مراجع تقلید و استادان مراکز پژوهشی و پرورشی کشور میسر است و این هدف جز با زیستن در جامعه ای قانون مدار که در آن همه افراد در پناه و سایه قانون و در بستر آن رشد و بالندگی یابند امکان پذیر نمی‌باشد. از این روست که تلاش در جهت ارتقای فرهنگ قانون گرایی و قانون پذیری در رفتارهای فردی و اجتماعی و بررسی موانع قانون گرایی و قانون پذیری و راهکارهای غنی سازی این فرهنگ ضرورت می‌یابد. شایسته است با شناسایی جایگاه و نقش قانون و قانون گرایی و ادب نسبت به آن و نیز موانع موجود بر سر راه تحقق آن، بررسی علل و عوامل مؤثر بر قانون‌پذیری و همچنین یافتن راهکارهای علمی و کاربردی برای مقابله با قانون گریزی و ارتقای فرهنگ قانون گرایی از سوی مراکز فقهی و پژوهشی و علمی کشور بتوان در اجرای کامل اصل ۱۵۶ قانون اساسی گام‌های موثری برداشته شود (صابری، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مشکل بسیاری از مردم و جوامع این است که برخی از آنان به سبب آگاهی از خلأهای قانونی و یا نقص در قوانین می‌کوشند تا آن را دور بزنند با آن که برای ایشان معلوم است که روح قانون در پی چه چیزی است. به این معنا که می‌دانند قانون برای اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم و تجاوز وضع شده است ولی با علم به این مطلب می‌کوشند تا قانون را دور زده و در حق دیگران و یا جوامع، ظلم و بی‌عدالتی روا دارند. بی‌گمان قانون شکنان به هر شکلی مصداق بارز و آشکار ظالمان و بیدادگران هستند زیرا اجازه رشد و تعالی را از جوامع می‌گیرند و حق و حقوق ایشان را ضایع و تباه می‌کنند. قانون به عنوان یکی از عناصر اصلی جامعه‌ی مدنی با سه مشکل اساسی روبه‌روست. نخستین مشکل، (بی‌قانونی) نبود مصوبات اجتماعی صریح برای وضعیت‌های مهم اجتماعی است.

این مشکل را می‌توان با وضع قوانین جدید مثلاً در ارتباط با ماهواره، تلفن همراه، تحصن و... برطرف نمود. دومین مسأله «تضاد قوانین» است که باعث افزایش بی‌نظمی اجتماعی و عدم تحقق جامعه‌ی مدنی می‌گردد. این مسأله نیز با ایجاد کانون‌هایی برای انعکاس پیامدهای اجرای قانون، ارزیابی عملکرد اجرایی قوانین مختلف و... قابل حل است. سومین مسأله‌ای که در ارتباط با قانون وجود دارد مسأله‌ی ضعف قانون یا نبود ضمانت اجرایی لازم است. این مسأله را می‌توان با ایجاد ضمانت‌های اجرایی لازم، حذف نابرابری در اجرای قانون و افزایش آگاهی‌های عمومی برطرف نمود.

فهرست منابع

- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی در شهر تهران، زهد، چاپ اول.
- موسی غنی‌نژاد (۱۳۷۷). جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، تهران، سازمان انتشارات وزارت ارشاد.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، فرهنگ معاصر.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه‌ی حسین بهروان، چاپ اول، مشهد، مؤسسه‌ی انتشارات آستان قدس رضوی.
- شربتیان، محمد حسن (بی‌تا). نقش سلامت اجتماعی در مدیریت جامعه شهری و راهکارهای گسترش آن.
- صابری، جعفر (۱۳۸۹). ضرورت قانون‌گرایی در جامعه، روزنامه صبح ایران.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۶). قانون‌گرایی و قانونگذاری در جامعه‌ی مدنی؛ تحقق جامعه‌ی مدنی در انقلاب اسلامی ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی-گروه انتشارات.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳). مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- نور بهاء، رضا (۱۳۶۹). زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان.